زبانی دیگر

نسیم آزادی

(۴)

Your name and address go at the top and also your phone number. what job do you want? That's what a prospective employer looks for first. If you know exactly, list that next under job objective other wise, save it for your cover letter when you're writing for a specific person. In any case, make sure your resume focuses on the kind of work you can do and want to do.

اسم و نشانی، و همچنین شماره تلفن شما در بالا نوشته می‌شود چه شغلی می‌خواهید؟ این موضوعی است که کارفرمای آتی، نخست دنبال آن می‌گردد و اگر شما دقیقاً آن را می‌دانید. هنگام نوشتن نامه برای درخواست یک شغل خاص، در زیر هدف شغلی آن را بنویسید، در غیر اینصورت آن را برای نوشتن روی پاکت نامه نگهدارید. در هر مورد مطمئن شوید که چکیده شما بر روی نوع کاری که شما می‌توانید و می‌خواهید انجام دهید، معطوف باشد.

Now comes work Experience. Here's where you list your qualifications Lead with your most important credentials. If you're had a distinguished work history in an area related to the job you'r seeking lead off with that. If your education will impress the prospective employer more, start with that. Begin with your most recent experience first and work backwards. Include your titles or positions held and list the years.

حال نوبت تجربه کاری است. در این قسمت است که شما صلاحیت‌های خود را فهرست می‌کنید. با مهمترین صلاحیت خود شروع کنید. اگر تاریخچه کاری برجسته‌ای در حوزه‌ای که مربوط به کار مورد درخواست شما می‌شود، دارید با آن شروع کنید. اگر تحصیلات شما تأثیر بیشتری بر روی کارفرمای آتی این قسمت را با تازه‌ترین تجربه خودتان در ابتدا شروع کنید و سپس کارهایی را بنویسید. عناوین یا سمت‌هایی را که داشته‌اید بنویسید و سال‌های آن را نیز فهرست کنید.

عصای معجزه شما چیست؟

هیچ کس نسبت به محبت خالص، بی‌تفاوت نیست. حضرت امیر(ع) می فرماید: مردم بنده‌ی احسان هستند. احسان کنید و حوصله داشته باشید تا بعد از مدتی اثر بی‌بازگشت آن رابببنید و هرگز به این فرمول ساده شک نکنید. لقمان حکیم می گوید: بعد از سالهای طولانی که به مداوای مردم پرداختم به یک فرمول ارزشمند دست یافتم که ارزش این همه سال خدمت را داشت. دریافتم که محبت دوای همه ی درد هاست. پرسیدند اگر محبت هم اثر نکرد چه کنیم؟ لبخندی زد و فرمود مقدار دارو را افزایش دهید.

محبت ظرفیت ها را افزایش می‌دهد

وقتی به کسی محبت می کنید تا جایی که از محبت شما لبریز و مطمئن می شود به او کمک کرده اید تا بتواند از همه ی استعدادها و توانایی‌هایش استفاده کند. انسانی که احساس محبوبیت می کند، خوشحال و مطمئن است. او شاد و مطمئن، می تواند از همه ی ظرفیتها و استعدادهایش به خوبی استفاده کند. بر ضعفهایش غلبه کند و... ولی کسی که احساس محبوبیت نمی کند و به اندازه ی کافی محبت دریافت نمی کند، بیمار است و نمی تواند درست فکر و فعالیت کند. کسی که بیمار است اگر چه استعدادها و ظرفیتهای نهفته ی فراوانی دارد، اصلا نمی تواند از آنها استفاده کند. این آدم، بدشانس هم می شود، چرا که مدام انرژیهای منفی را جذب می کند. او مستعد غم و اندوه و بد آوردن است.

قلبها را نرم می کند

اگر از اخلاق و خصوصیت خاصی که در وجود همسر یا دوستتان هست رنج می برید یا اختلافاتی دارید که از آنها خسته شده اید، راهکار محبت را به کار ببرید. با محبت قلب هر کسی نرم و آماده ی پذیرش می‌شود. محبت چیزهایی را که نیست به وجود نمی‌آورد. محبت مثل ویتامین ها باعث استفاده از ظرفیتهایی که هست، می شود. همه ی انسانهای اطراف ما خارق العاده و اشرف مخلوقات هستند، اما بی محبتی و عقده های عاطفی انسان ها را فلج کرده و باعث شده از یک صدم ظرفیت‌هایشان هم نتوانند استفاده کنند. به همدیگر محبت کنید تا قفلهای بیهوده ای که به دست و پاها زده شده شکسته شود.

دشمن به دوست تبدیل می شود

اگر یاد بگیریم به یکدیگر با اخلاص محبت کنیم، دشمن هم به دوست تبدیل می شود. اما محبت کردن باید شرایطی داشته باشد تا اثر عمیق خود را بگذارد.

اول اینکه محبت باید خالص و بدون چشمداشت باشد. هر انسانی در مسائل عاطفی دقیق و باهوش عمل می کند، چرا که فهم مسائل عاطفی نیازی به هوش ریاضی و عقل محاسبه گر ندارد. مسائل عاطفی با قلب و هوش عاطفی درک می شود. خیلی از مطالب بدون آنکه به زبان آورده شود به سرعت ادراک می شود. هیچگاه نباید در مسائل عاطفی دیگران را کم حساب کنیم. وقتی می‌خواهیم به کسی محبت کنیم باید از اعماق قلب و با اخلاص انجام دهیم. منتظر پاداش و عکس‌العمل نباشیم.

بخل، دشمن محبت

دوم اینکه بخل نداشته باشیم. بخل یک ویژگی منفور است که گاهی با انسان خو می‌کند. بخل در مسائل مادی یا معنوی، دشمن محبت است. بخل نمی گذارد دیگران مهر واقعی ما را درک کنند. باید قلبمان را از بخل خالی کنیم، به این معنا که برای دیگران گذشت و سخاوت داشته باشیم، مثل آنچه برای خودمان گذشت و سخاوت داریم.

اگر به شما یک جعبه میوه های خوب و بد درهم بدهند و بگویند اینها را با دوستتان قسمت کنید چه می کنید؟ کسی که خوبها را برای خودش و بد را برای دیگری انتخاب می کند، بخیل است. کسی که دو بسته مثل هم انتخاب می کند و بین خود و دیگری فرق نمی گذارد، منصف است و کسی که دیگران را به خود ترجیح می دهد فداکار است. اما فداکاری دل بزرگ می خواهد. دل بزرگ که نباشد توقعات زیادی به وجود می آید و مشکل‌ساز می شود. در این مثال بهترین کار همان انتخاب دوم است. منصف بودن بهتر از فداکار بودن است.

انصاف داشته باشید

منصف باشید و مثل همان چیزهایی که برای خودتان انتخاب می کنید، برای دیگران هم انتخاب کنید. با انصاف و بدون چشمداشت، محبت کنید. بخل را در احساسات و رفتارهای خودتان شناسایی کنید و با آن مخالفت و مبارزه کنید. اگر یک مدت روی رفتار و گفتارتان توجه داشته باشید و از این اصول تبعیت کنید، خیلی زود متوجه تغییر اطرافیانتان می‌شوید. اطرافیان شما به اخلاص و محبت شما عکس‌العمل نشان خواهند داد. بنابراین به هر اندازه که دوست دارید، اطرافیانتان تغییر کنند خودتان را تغییر دهید. ممکن است اطرافیان شما تغییر دائمی پیدا نکنند، لااقل در مقابل شما همیشه مراعات خواهند کرد. همین مراعات همیشگی یک روز به یک عادت و یک خلق دائمی تبدیل خواهد شد. به هم محبت کنید و با محبت تلخی ها را به عسل تبدیل کنید.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره شمس

اینها که درس نخوانده‌اند و سواد ندارند و به اصطلاح، مردم بسیط و بیچاره‌ای هستند که از اول که متولد شده‌اند جز محیط خودشان چیز دیگری ندیده‌اند. اینها که تقصیری ندارند.

افرادی مقصرند که عالم و دانا هستند و حجت بر آنها تمام شده است.» جواب امام مفصل است. در قسمتی از جواب می‌فرمایند: اشتباه نکنید! بعضی مسائل هست که هر انسانی اضطرار آنها را می‌فهمد؛ یعنی معرفت بعضی از امور را خدا اضطرار در قلب انسان قرار داده است.

بعد مثال می‌زنند و می‌فرمایند: این جهال از یهود می‌دیدند که علمایشان آنها را از بعضی امور نهی می‌کنند و بعد جلوی چشمشان همین علما همین امور را مرتکب می‌شوند؛ مثلاً به آنها می‌گفتند ربا نخورید، ولی خودشان ربا می‌خوردند.

بعد با همه فسادی که در این علما می‌دیدند باز هم از آنها پیروی می‌کردند. آنگاه امام می‌فرماید: آیا فهمیدن اینکه از کسی که برخلاف آنچه خودش می‌گوید عمل می‌کند نباید تبعیت کرد، مدرسه رفتن می‌خواهد، یا هر کسی به فطرت خودش و به الهام الهی این را می‌فهمد.

جنایتکارها همیشه اعصاب ناآرامی دارند و گاهی در آخر عمر دیوانه می‌شوند. علت اینکه اکثر این افراد در آخر عمر دچار اختلال می‌شوند این است که خدا در درون انسان نیرویی قرار داده که دائما او را ملامت می‌کند و مانند چکشی دائما از درون بر سرش می‌کوبد. این ناراحتی درونی است که گاهی به دیوانگی یا بیماری‌های دیگر منجر می‌شود.

برعکس، انسان‌هایی که همیشه از قلبشان الهام می‌گیرند و پاک و متقی هستند، به چهره آنها که نگاه می‌کنید معلوم است که اعصابشان آرامش دارد. علت این است که آن اولی با فطرت خودش جنگیده ولی این دومی با فطرت خودش همراهی کرده. خلاصه، خدا به هر انسانی آن اصول اولیه زندگی را الهام کرده است. ای انسان تو چقدر شرافت داری! به جایی رسیده‌ای که خدا چیزهایی را به تو الهام کرده است.

جواب قسم‌های متوالی این سوره

قد افلح من زکیها. بعد از این سوگندها که آخرین آنها سوگند به شرافت جان آدمیزاد است که شایسته ملهم شدن واقع شده است که این، بزرگترین قسم‌هاست، می‌فرماید: رستگار شد آنکه جان خود را تزکیه کرد. «فلاح» به «رستگاری» ترجمه شده است که ظاهراً ترجمه خوبی است. «رستگاری» از ماده «رستن» است. «رستن» یعنی رها شدن از اسارت.

انواع آزادی:

۱. آزادی اقتصادی

اینکه در اینجا کلمه «فلاح» را ردیف با تزکیه و معلول تزکیه قرار داده است یک نکته بسیار بزرگ دارد. توضیح اینکه: انسان چندین نوع آزادی در مقابل چند نوع اسارت دارد. یکی از آزادی‌هایی که بیشتر مردم می‌شناسند آزادی اقتصادی است. اگر انسان مالک انسان دیگر باشد و آن دیگری رسماً مملوک او باشد آن انسان مملوک حر نیست بلکه عبد است.

۲. آزادی سیاسی

آزادی دیگر که بیشتر در محیطهای سیاسی مطرح است آزادی سیاسی است. اگر مردم از حقوق اجتماعی و سیاسی خودشان برخوردار باشند آزاد هستند. نقطه مقابل این آزادی اختناق و استبداد است.

۳. آزادی فکری

نوع دیگر، آزادی فکری است. گاهی بعضی فکرها و عقیده‌ها آزاد نیستند بلکه اسیرند. خدا به انسان فکر، عقل و منطق داده است که قضایا را با این معیار بسنجد. حال اگر انسان این قوه خداداد را کنار بگذارد و به جای منطق چیز دیگری را ملاک قبول یا رد قضایا قرار دهد [آزادی فکری نداد.]

خدا به انسان عقل داده است و عقل برای انسان معیار قبول و رد مسائل است. الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوا الباب.

می‌فرماید: مؤمنان واقعی کسانی هستند که عقل را معیار قرار می‌دهند، سخنان را می‌شنوند ولی آنها را غربال می‌کنند، خوب‌ها و بهترین را می‌گیرند و باقی را رها می‌کنند. یعنی نقادند، چیزی را بدون دلیل عقل‌پذیر، نه می‌پذیرند و نه رد می‌کنند.

قرآن مرتباً تقلید کورکورانه از روش پدران و مادران را می‌کوبد. انسان نه باید کورکورانه سنت‌گرا باشد و نه باید کورکورانه سنت‌شکن باشد. سنت‌شکنی بی‌منطق همان اندازه ضدانسانی است که سنت‌گرایی بی‌منطق. آدمی که اسیر سنت‌های گذشته است نمی‌تواند منطق را [در تفکرش] دخالت دهد و همچنین آدمی که اسیر موج‌های جدید است. برخی وقتی فکر و اندیشه‌ای نو و موجی جدید پیدا می‌شود مانند خسی تحت تأثیر این موج قرار می‌گیرند، گویی اصلاً از خودشان اراده‌ای ندارند. غالباً جوان‌ها خیال می‌کنند پیرها چون سنت‌گرا هستند آزادی فکری ندارند ولی خودشان چون سنت‌شکن اند آزادی فکری دارند، در صورتی که موج‌گرایی هم مثل سنت‌گرایی است.

هر چه بی‌منطق و بی‌معیار صحیح باشد چه سنت باشد و چه موج جدید، حماقت است و قرآن هیچ کدام را قبول ندارد. انسان چه در اسارت سنت‌های کهن قرار بگیرد و چه در اسارت موج‌های جدید، هیچ کدام آزادی نیست. مبنای آزادی در این نوع از آزادی، عقل و فکر و منطق است. هر کس قضایا را با معیار فکر و عقل و منطق، قبول یا رد کرد آزاد فکر است و هر کس این معیار را کنار گذاشت، چه سنت‌گرا باشد و چه موج‌گرا، آزاد فکر نیست.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۸۷

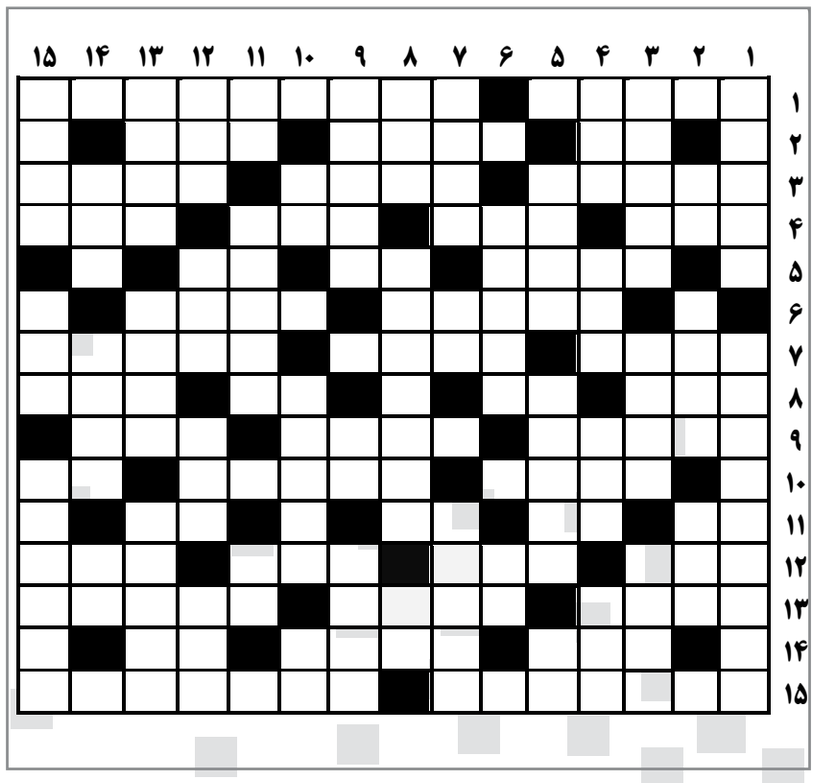

افقی:
۱-عدد نحس- برای رونق اقتصادی مفید است
۲-وی- محل فرود هواپیما- زخم
۳-از ادوات سفره- جسد رها شده در طبیعت- موجود تک سلولی
۴-سرپرست- از پرندگان قفس‌نشین- شب گذشته- یاوه بی‌انتها
۵-به لحیم کننده برقی می‌گویند- از حروف اضافه عربی- رمز
۶-چادر- آبزی معروف
۷-ریاضیدان رباعی‌سرا- کمیاب- حکم و فرمان پادشاه
۸-غذای شب- یا- تکان- قاتل را به آن می‌آویزند
۹-اتاق کوچک- پس از امروز- اصیل و خالص
۱۰-گل حماسی- تاج پادشاهی- پسوند همانندی در فارسی
۱۱-عدد فوتبالی- بدون- ضمیر اشاره به دور- نفس
۱۲-گرو- از اصطلاحات موسیقی و آواز- فهم- شهروندان جامعه اسلامی
۱۳-ترک بزرگ- راه- بزرگداشت
۱۴-انجیر- رجا- تکرار آخرین حرف
۱۵-اعضاء- شیخ‌الانبیاء

عمودی:
۱-دروغین و ریاکارانه- از شاهان هخامنشی
۲-پهلوان- از مباحث فقهی در اقتصاد اسلامی- از مصالح ساختمانی
۳-کنج و گوشه- آرزوها- پیمان آتلانتیک

جواب جدول شماره ۹۴/۷۸۶

شمالی
۴-طبیب تجویز می‌کند- وسمه ناتمام- پناهگاه عکس- حمامی در کاشان
۵-فریاد سوزناک- نوعی افشانه زینتی- رشد و نمو
۶-پنهانی- از حروف مقطعه در قرآن
۷-پیش دانشگاهی خارجی- اثری پیرامون جنگ تحمیلی- نام سوره‌ای در قرآن
۸-مادر ترکی- گره زدن رشته ازدواج بین دو نفر- دریا
۹-مردود گردیدن- از ماه‌های سرد سال- کوچکتر از اقیانوس
۱۰-خدای درویشان- زادگاه علامه اقبال- خرس آسمانی
۱۱-شکوه- دعوی- مکمل شلوار
۱۲-دورویی و سالوس- روزگار- از آن کلاه می‌سازند- بزرگی
۱۳-از رنگ‌های تسبیح- بلندترین شب سال- نامی زنانه و عربی
۱۴-اسب و شیر دارند- خشک کننده- قبل از برخی افعال می‌آید
۱۵-اسب بارکش- خرد گردیدن- همت به خرج دادن

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۶۱

							9	
7		2	8	6		1		5
		5		1	9			
		8				5		1
6	7	1	2		5	3	4	8
3		4				7		
			9	5		4		
5		6		2	1	9		3
	8							

جواب جدول شماره ۹۴/۲۶۰

1	8	2	9	7	5	4	6	3
6	3	5	2	4	8	7	9	1
7	9	4	1	6	3	8	2	5
9	1	7	8	3	2	6	5	4
5	4	3	6	9	7	2	1	8
8	2	6	4	5	1	3	7	9
4	6	8	5	2	9	1	3	7
3	5	1	7	8	6	9	4	2
2	7	9	3	1	4	5	8	6

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.